

هواي فعاليت سياسي به سرمزد همیشه سعی کردمام اشتباهات گذشــتهام را به یاد نیاورم. حتی اگر هم قرار بر یادآوری باشد همیشه درصدد فرار کردن از آنها هستم. باید

پذیریمزندگی هر کدام از ما پر از اشتباه های ریز و در شت است...

مهاجرتبه مثابه ناآرامي این روزها مهم،ترین دغدغه من بیش از هر چیز مساله مهاجرت است. در طول این مدت، بارهاشــده که از خود بپرسم علت اصلی مهاجرت جوانان سرزمینماز ایران چیست؟ در حال حاضر به این موضوع فکر می کنم که

در صفحه ۱۲ بخوانید... **= كمكهاىخودخواهانه! | قدمعل**ي **- کودکانرادریابیم|بهمن عبدی تامراباسمیت ا**برشیازرمانگزارش محرمان 🏻



فرهنگسازی؛ تعامل مشترک میان مسئولان و مردم



تاکیدبر فرهنگسازی،حتی اگر به خاطر از سر از کردن مسئولیتها، از جانب مسئولان بیان و مهم ترينُ مســألهُ ما اســت. بَايُد اين موضوعٌ ر به ساحت عمل نیز تسری و مورد توجه قرار داد. از این رو، وقتی بحث فرهنگ سازی مطرح بُستٰی که به صورتُ ن<u>ه</u>ادینه و ساختاری شکل بگیرد تا مردم بتوانند آن را درونی کنند. ستان بمیران مرحم بهوست آن را مرزی در حقیقت، فرهنگسازی، به معنای درونی کردن یک رفتار است که موجبات تعامل میان اجزاء و عناصر سیستم را فراهم سازد. لذا فرهنگسازی یا درونی یا نهادینه کردن، می تواند زمینه پویایی ساختار جامعــه را موجب شــود و همين مهه می تواند در درازمدت، موجبات نیل به اهداف مصورد نظر را فراهم سازد. به همیس ترتیب، اگر مُسئولاًنُ واُعضای جُامعه در جریان این فرهنگسازی، تعامل مشترکی با یکدیگر داشته باشند، می توانند در زمینه های مورد نظر، به انتظارات مطلوب دست پیدا کنند لذا با این نظر مخالفُ هســـتم که هر جا مسئولان پاسخی برای یک مشکل یا معضل نُدارند، شعَار فرهنگ سازی .. میدهند. خیـر؛ فرهنگسـازی مقوله مهمی است که باید محقق شبود و بسرای تحقق آن است نه باید محقق سود و بسرای بخقق ان بایستی بستری فراهم شود و مسلما برای این منظور، یعنی فراهم کردن شرایط، نیاز به تمامل میان مسئولان و مردم است تا بتواند انتظارات متقابل شان را به مرحله عمل و اجرا در بیاورند.

جامعه ما جامعهای دینی و اسالامی است و

آموزهها و احکام دین مبین اسلام در تمام شئونات زندگی مردم ایران جاری و ساری است. همه

رد عی سرم برای برای برای و سازی سندی امور زندگی مابراسـاس آموزههـای دینی تعریف شـده و دین و زندگـی در اســلام و فرهنگ غنی تشیع تفکیک-ناپذیر اســت یا به همان صورت که

امامخمینی(س)فرمودند،سیاستماعین دیانتو دیانتماعین سیاستمااست. تمامشئونات زندگی

عملیاتی دربیایند و تا زمانی که این اتفاق صورت متولى فرهنگ سازى، مسئولان هستند. چراكه نپذیر دوصرفابه تفسیر و توضیح تئوری هامشغول باشیم، نمی توانیم از مردم، توقع پذیرش انتظارات آنها از امکانات بیشـــُتری برخُوردارند و می تواُنند شرایط احیای فرهنگ را فراهم کنند. نباید به این مسئولان را داشته باشیم. همچنین، در مواردی، مقوله، یعنی فرهنگسازی، یکطرفه نگاه کرد و همه مسئولیتها و وظایف را به مسئولان محول کردونقش مردم رانادیده گرفت. اگرچه مسئولان، تاثیر گذار ترین سازمان میان سایر سازمانهاست، متولیان امر هستنداما مردم نیز بایستی دخالت داشته باشندو با تعامل، فرهنگ را نهادینه و درونی نتوانسته نقش خودرابه درستى ايفاكند سازند.هر کس با توجه به حــوزه مربوطهاش، در ساختار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، مسئولیت این فرهنگســازی را برعهده دارد. ایــن افراد به

خور جایگاهشان،مسئولیت ترسازی بـرای احیـای یں ر فراخور جایگاہشان،م

. فرهنگرابرعهدهدارند.منظور از بسترسازی، ایجاد شرایطی

است که حامعه بتوانده بخواهد

که نقطهنظرهای فرهنگی

مسئولان را ببیند، بشنود و

بپذيرد و درنهايت به أنها عُملُ

این که تاکنون، مسئولان ما

در حوزه فرهنگسازی، موفق

عمل نگر دهاند، به این معناست

که آنها نتُوانستهاند شرایطی را

فراهم سازند كهاز جانب مردم،

حُرفُها و نظراتشان مُورد پذیرش قرار بگیرد. همین که

وی (فرهنگسیازی) تأکید

ر۔ ۔ میشود،بهاین معناست که جامعه مابه آن نیاز مند

جلساتی که در سازمانها و نهادهای مربوطه صورت مى پذيرد، بايستى از حالت تئورى به شكل

ستکهبایدمحققشود وبرای تحقق آنبایستی بستریفراهمشودومسلما آنچه که شعارش را میدهند، صبورت می گیسرد. وقتی در سریالهای تلویزیونی، خانهها ت مبلمان برای آین منظور، یعنی فراهم رابـاچندین دس ر . . مزین شده به اشیای قیمتی كردن شرايط،نيازبه تعامل میان مسئولان ومردم است تا بتوانندانتظارات متقابل شان را نشــان مىدهيم، نبايد انتظار داشته باشــيم، وقتى چنين خوراکی را به مردم خودمان میدهیم، آنها جور دیگری بهمرحله عمل واجرا دربياورند متولىفرهنگسازى، ئولانهستند.چراكه آنهااز فكر كنند نشان دادن همين ۔بر۔ چیزھاست کے موج امکاناتبیشتریبرخُوردارند ومیتوانندشرایطاحیای ... ومی توانند نجمل گرایی و مصرف گرایی فرهنگرافراهم كنند

را تشویق می کنیم که ازدواج بن ازدواج بالارفته و شرایط بسیار دشوار شده است. تصور کنید فیلجهایی نشان می دهند که پسر و دختری که می خواهند باهم از دواج کنند، پسر، دارای خانه بــزرگ و خودرو

لوکس است و دختر هم دارای جهیزیه سنگین تصوص صداوسيما كــه مهم تريــن ارگان و

به طــور مثــال، در موضّـوع مصرف گرایــی و . رار تجمل گرایسی، از طرفسی آن را نهسی می کنیم و تجمل گرایی رامذموم می داریم، اما بسیار مشاهده مىشوددر ســريالهايى كهاز صداو سيما پخش میشوند، این موضوع را ترویج فرهنگسازیمقولهمهمی میکنند و رفتارهایی مغایر با

میشود. به طور مشابه، در بحث از دواج، ما دایما جوانان

و گرانقیمت؛ وقتی هم کسه به خانه خودشان میروند، در آنجا، جدیدترین ولوکس ترین وسایل و لباسهای مارکدار را می بینید. قطعا با نشان دادن چنین فیلمهایی، توقعات و انتظارات را چه برای جوانان و چه برای خانوادههایشان بالامی برید. تعیین مهریدهای سنگین توسط پدر و مادر دختر و توقع و انتظار پدر و مادر پسر از خانواده دختر برای در کری دانستن جهیزیدهای گرانقیمت، ناشی از همین ترویج روشهاوفرهنگهای ناصحیح است.

اُنتظاراً و توقعاتی که مطرح می شود مبنی بر این که یک فـرد، در آغــاز جوانی، خانــه، خودرو و امکانات بسیار دیگری را داشته باشد، انتظار نابحقی است. لذا برای فرهنگ سازی در مقوله از دواج کـه به عنــوان یک مثال مطرح شــد، باید ر ری توقعات و انتظارها را تعدیل کنیم. فرهنگسازی در مقولــه ازدواج یعنی تصحیح ایـــن نگاه که یک فرد باید در بدو زندگی همه چیز داشــته باشــد در این شـرایط نبایدانتظار سـهولت در ازدواج را ناشته باشیم اگر بخواهیم روحیه تعادل را در زندگی رعایت کنیم،مستلزم این اُست که شرایطی به وجود بیاید که مردم آن را به صورت ملموس و محسوس ببینند. باید با دقت در این نکات ظریف، روحیه رفتار معتدل را توسعه بدهند و این روحیه ناصواب تجمل گرایی را محدود و در نهایت، حذف کنند.مقوله فرهنگ سازی در موارد دیگر نیز مانند مثال ذكر شده، نيازمند بازبيني، تيزبيني و پيدا ک در: معضلات و مشکلات حاض است. بار بعد از پیداکردن ایسن نقاط ضعف، بــه دنبال راه رادهای برای آنها بود و در این مسیر، مسئولان، روزنامه ها و از همه مهم تر، صداوسیما می توانند نقش اساسی و محوری را ایفاکنند.

8 ایسن روزها گفتن ایسن جملنه کنه اباید

فرهنگسُسازی شود، یک رویه و در واقع، یک فرهنگ شده است. باید پرسید فرهنگ چیست و ظُرف فرهنگ عمومی را با چه مظروفی می توانُ پر کرد. نهادهای مختلفی که برای فرهنگ سازی ر برد که عمومی، میلیار دها تومان پول دریافت می کنند، چراباز هم گلممندند؟ آیا فرهنگ از بدو تولید به وجبود می آید یا

خیر؟ آموختههای جامعه، خانواده، , ســـانههای حیر: اموضعهای جامعه، حابوانده، رستانههای مکتوب و سمعی و بصری در فرهنگسازی موش هستند یا نه؟ این اعتقاد وجود دارد که رفتار و گفتار و مشی و منش حاکمیت، تشکیل دهنده و مظروف این ظرف است. لذا ایستادن یک مُسئولُ در قوه مجريه، مقننه و قضائيه و غيره و همچنين رفتار و گفتار او در فرهنگسازی کشور نقشٰ به سُـزاییُ خواهدُ داشُـت. مگر ما همگیُ با تک تـک فرزندانمان صحبـت می کنیم؟ در گذشته خانوادهها، پر جمعیت و دارای فرزندان زیاد بودند، و بُسیاری از خانوادهٔ ها با هم زندگی می کردند. در آن زمان فرهنگسازی به شیوه آموزش غیرمستقیم و با نام «تربیت خانوادگی» صورت میگرفست. اما امــروزه ایسن تربیت در محیطهای اجتماعی مثل مهدکودک، مدرسه رئیسگاه و اجتماع شکل می گیرد ادبیات یک رئیسجمهوری درسیاست گذاری هاتأثیر عمیق فُرهنگی داُرد که در میان اقشــار مختلف باقی خواهد ماند. در مسیر کار فرهنگی گاهی بحث عرضتنی تارد ندر میس هستار مختنف بخی خواهد مانند. در مسیر کار فرهنگی گاهی بحث از ایرادات یا اشکالات قانونی می شود اما مشکل ما، قوانین نیست. به طور مثال قوانین راهنمایی ورانندگی در کشور ما وجود دارد و بخش مهم ورست ی در سسور داور برد از و بسیمهم این قوانین بین المللی است. اما می بینیم که در فرهنگ رانندگی از آنها استفاده نمی کنیم و به تعبیر دیگر فرهنگ رانندگی نداریم. این سوال پیش ُمی آیُد کُه چــراً در همه دنب پیس بھی یہ بہ چرا در صف کیے ہیں ہو ہیں رعایت می شــوندو در بعضی از کشــورها آمار تصادف نزدیک به صفر اســت. پاســخ این است که آنها به حقوق یکدیگر احترام می گذارندو این

دامه به حصوبی پیدیوم رسید کا شدهاست. احترام گذاشتن به قانون بدل شدهاست. گفتن حقیقت وراستگویی در فرهنگ عمومی، تأثیر زیادی دارد. فرهنگ راستگویی با تک تک انسان ها زاده می شود. مخصوصا ما که معتقدیم

مسلمانیچ لقب پیامبر ماراست گویا «امین» بوده است.اماببینید کسانی که این حرفهار امی زنند خودشان چقدر به آنها پایبندند و آنها را رعایت ر می کنند هرچیــزی آداب و فرهنگ مخصوص خودش را دارد. باید فرهنگ ســـازی را از خودمان شرُوع کنیم چراهمه مامنتظریم تااین فرهنگ از دیگران آغاز شود ۲۶ نهاد مختلف فرهنگی دُر کَشُور وجُودداُرد سـوال این است اینها برای فرهنگسازی چه می کنند؟ ما باید فرهنگ را در رفتارمان ونهصرفادر گفتارنشان بدهیم.

نهادسازي كاستى فرهنگ جامعه ايراني

بادداشت

هر تکنولوژی تازهای که وارد کشور می شود آداب و فرهنگ خسود را دارد. اگسر ما به جای این که بـا , فتار ناصواب موجـب قاچاق آنها به داخل کشور شویم، شرایطی را فراهم کنیم که آنها از طریق مراجع رسیمی وارد شوند و آداب وفرهنگ و آموزش را هم به همراه خود بیاورند؛ آنگاه می توانیم آداب و فرهنگ آن را هم ایجاد کنیم اما در کشور ما هر تکنولوژی تازهای که می آید ابتدا بخش آسیب زنندهاش را با خود به همراه دارد. وقتی صداوسیما نتواند بهعنوان اصلی ترین وموثر ترین رسانه این فرهنگ سازی رادر ميان عامه مردم ايجاد كند نمي توان از نهادهای دیگر انتظار این مهم را داشت.مس و متولی این فرهنگ سازی صرفا دولت نی تک تک مردم در این پروسه مسئول اند. اما آنهایی که در جایگاه قدرت هستند، قطعا تاثیر گذاری ویسژهای را در این مقولسه دارند. سخنان ورفتارهای عملی رئیس جمهوری یک کشور، نمایندگان مجلس و سایر نهادهای بلندپایه، دُر فرهنگ سازی عمومی تأثیر گذار است. دنیا، دنیای رسانه هاست. اگر از کسی کوحکترین فتارید باغیرفرهنگر ای سویزند، عبر آن بهراحتي در رسانه مهم ترین بحث در فرهنگسازی نهادینه کردن نقد در جامعه است. روزنامه ها، خبرنگاران، احزاب وهمه بخش های موثر جامعه، چشم و گوش مردم هستند که باید در جهت نهادینه کردن این فضا گام بردارند. وقتی فضای نقد بسته می شود و تهمت و افتراجای آن رامی گیرد، طبیعتا فضایی په ۱۳۰۰ را کې کې د د به وجود مي آيد که خود مسئولان نيز از آن ناراضي خواهند بود. در کشورهاي توسعه يافته همه چيز نقدُمیشُودوً قدر تُمُندان بأید پاسخگوی مردمُ باشند. در آنجا هر سخن و نقدی را بهعنوان توهين تلقىنمى كنند

برای فرهنگ سازی دیر شده

احکام و حدود دین مبین اسلام باشد چراکه دین براى تشريح بهتر موضوع لازم است چند مثال ررک در بخشهای مختلف بیان کنم تا مشخص شود فقدان فرهنگ سازی در هر بخش چه آسیبهایی اسلام خود نهضتی فرهنگی کامل است. در چنین جامعه ای اگر به امور مختلف نگاه فرهنگی را به دنبال دارد. مثلًا در ورزش، اگر فرهنگ ورزش پهلوانی و جوانمردی نداشته باشیم، آسیبهای . نداشته باشیم و فرهنگ سازی لازم را انجام ندهیم، به طور قطع گرفتار آسيبهاي متُعدُدي ميشويم. ر یبدی سیدی می سویم. به عنوان نمونه اگر برای استفاده از تکنولوژی مانند اینترنت فرهنگسسازی لازم صورت نگیرد، کار به بزرگی گریبانگیر ورزش کشــور شده و میبینیم رر کی رہے۔ که در یک رشتہ خاص میلیاردھا تومان از بودجه بیتالمال اصراف شدہ، بدون این کــه بهرموری . اینترنت فرهنگ سازی لازم صورت نگیرد، کار به این جایی می رسد که هستیم. در حوزههای مختلف نیز به همین صورت است و شاید بتــوان گفت که در تمام بخشها به فرهنگ ســازی نیاز داریم.

راندانشته باسیم، در سار سسی - " " . . شود، با آسیبهای جدی روبه رومی شویم. ادامه در صفحه ۱۰ ... لازم را داشته باشــد در حوزه استفاده از خودرو نیز شاهدهستیم که از یک سو توانمندی مالی مردم به

اندازهای شده که بخش زیادی از خانوادههای ما توان خرید حداقل یک خودرو شخصی را دارند. اما چون فرهنگ استفاده از وسایل شخصی و وسایل نقلیه م عمومی را نداریم، با حجم زیادی از ترافیک بهویژه در کلانشهرها روبهرو می شسویم. مثال هایی از این دست در تمام بخش هاوجود دارد واغراق نیست اگر بگوییم در تمام شئونات زندگی اگر فرهنگ مناسب رانداشته باشیم، در کنار منافعی که شاید نصیب ما